تعلیم الصبیان

بہ تمرین زبان کشائی صبیان نطق افزائی اہل جہان نسخہ
حسب الحکم سرکار دولتمدار جناب نواب یسین محمد خان بہادر رئیس [illegible]
تعلیم الصبیان
باہتمام بندہ حقیر محمد حسین خان خلف مولوی محمد حسن خان مرحوم بتعلق فضل حسن خان
در مطبع حسنی محمد حسن خان واقع بلدہ رامپور طبع یافت

بسم اللہ الرحمن الرحیم

شکر و سپاس و نعت عظمت اساس

پروردگار عالم ہمہ شکر تراست وصفت تمام برائی تست کہ ہمہ مخلوقات را تو پیدا
کردہ و از سمک تا سماک ایجاد فرمودہ ہر لمحہ و ہر آن روح تازہ می بخشی و از سفرۂ
عام رزق وافر ارزانی میفرمائی نعت نثار پیغمبر عالم محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم باد
کہ ہمہ مخلوق و ہمہ رسولان صلوات اللہ علی نبینا و علیہم سردار ہست و برائے
ما باعث بخشش گناہ و اوزار بعدہ میگوید راقم آثم کہ چون چند سبق درین
اوراق برائے تعلیم صبیان و فائدہ اطفال فارسی خوانان جمع نمودہ لہذا تعلیم صبیان

نامش نهاد و فصول را چون قلیل المضامین بود به سبق اصطلاح داد امید
از صاحبان این فن اگر خطائے بینند به نظر استصواب اصلاحش فرمایند
ای خداوند عالم بدعائے این اثم را قبول فرما و خاتمه اش به خیر موصول
بطفیل آن حضرت صلی الله علیه وسلم و بتول رضی الله عنها۔

سبق اول در بیان ایمان و عقائد اسلام

خداوند تعالی یگانه و قادر است قدرتش بر همه غالب است چنانکه اگر خواهد
همه آسمان و زمین را بیک اشاره نیست و نابود فرماید و روز فردا چنین نماید
او رب العالمین است همه مخلوقات را روزی مهیا فرماید و در سنگ کرمک را برگ
سبز ارزانی الله پاک مهربان است زیاده تر از مادر مشفقه که خطای بنده بیند
و جرم مجرم شناسد اما از رفقش بر قرار دارد بخشش کننده تر است که بنده گنهگار
را بحکم غلبه رحمت و مغفرت خویش بر غضب و انتقام خود بیامرزد و بطفیل آنحضرت
صلعم به حضور خود رساند همه نیک و بد او تعالی پیدا کرده است خوبی و زشتی به
حکم او وجود گرفته هر چه که بظهور آید از وست هر برگے که بر زمین افتد و ذره که به باد

ـے اعتقاد در تعالی نیست بر پاک ذات او تعالی مسلمانان ایمان آرند و بدون
و بیمش او را بخدائی یقین کنند صحت و رنجوری و غمی و خوشنودی بامر او تعالی
دانند و گر هیچ نیست که کسی را خوشنود کند یا محزون نماید مگر او تعالی شانه
محمد صلی الله علیه وسلم رسول و محبوب او تعالی اند و دیگر رسولان و پیغمبران
هم گذشته اند که تعداد شان او تعالی داند و همه راست گویان بودند مشاهیر
کتابهای الهی چهار اند توریت - انجیل زبور فرقان و اینها بر چهار
رسولان فرستاده شد فرقان بر پیغمبر ما ست صلی الله علیه وسلم زبور بر داود
علیه السلام انجیل بر عیسی روح الله توریت بر موسی کلیم الله از فرشتگان چهار
مقرب تر بارگاه احدیت اند که نام شان جبرائیل - میکائیل عزرائیل
اسرافیل اند اسرافیل بجهت نفخ صور مامور است و عزرائیل قبض ارواح را مهتمم است
میکائیل انصرام رزق و باران بحکم رزاق کند و جبرئیل حامل وحی و احکام الله ذی الجلال
است روزیست که همه مخلوقات فنا خواهد بود و آن روز بسیار خوفناک است
که آسمان پاره پاره خواهند شد آفتاب و ماهتاب و همه ستارگان بریزند کوهها چون

نوبت ها سپرند زمین را پاره پاره بشکنند بار اسرافیل در صور حکم خدا بدمد که دگر باره
همه خلایق ذیحیات زنده برخیزد بارے جل جلاله بر تخت انصاف جلوه فرماید
فرشتگان درین روز صف بصف گرد عرش تسبیح و تحمید کنان حاضر آیند
و بفرمان حقتعالی مخلوق را حشر کرده بحضورش آرند و گروه گروه را نشر و جدا کنند
این روز حشر و نشر را قیامت و روز جزا نامند درین روز فرشته
و جن انس و دیگر حیوانات و دوزخ و جنت به حضور خداوند حاضر آیند او تعالی همه
نیکی و بدی را سنجیده عدل فرماید نیکان را جنت عطا فرماید بدان را بدوزخ
فرستد جن را از آتش آفریده آدم علیه السلام از خاک ساخته شده فرشته از
نور بظهور آمد فرشتگان مطیعان فرمان الٰهی اند و بندگان رضاجویان و ساختگان
پروردگار ایشان غیر عبودیت هیچ نسبتی به بیچون ندارند همچنین همه انبیا بندگان و
فرستادگان خدا اند این همه اصول را بدل داشتن و هم از زبان اقرار کردن را
ایمان گویند یعنے بدین یقین اقرار کردن که خداوند تعالی واحد خالق رازق نافع
وضار است همه مخلوق و فرشتگان و پیغمبران بندگان او یگانه تعالی شانه

نه فرزندگان و دختران را و او تعالی مالک خیر و شرست چنانچه گویند و خوانند

آمَنْتُ بِاللهِ وَمَلٰئِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْقَدْرِ

ایمان لایا مین اللہ پر اور اسکے فرشتون پر اور اسکی کتابون پر اور اسکے رسولون پر اور دن قیامت پر

خَيْرِهِ وَشَرِّهِ مِنَ اللهِ تَعَالٰى وَالْبَعْثِ بَعْدَ الْمَوْتِ ط

اور اسپر کہ اندازہ اللہ جلشانہ نے اچھی طرف بھلے اور برے کی کردیا ہے اور ایمان لایا مین پہر اوٹہائی جانے پر پیچھے مرنے کے

و می دانند آمَنْتُ بِاللهِ كَمَا هُوَ بِاَسْمَائِهِ وَصِفَاتِهِ وَقَبِلْتُ

ایمان لایا مین اللہ پر جیسا کہ وہ موصوف ہے ساتھ نامون اور صفتون اوسکی کے اور مان لیئے

جَمِيْعَ اَحْكَامِهٖ

تمام حکم اوسکے

سبق دوم در بیان کفر و شرک

به امری از گفته ضروریات بالا ایمان نیاوردن کفر است یعنی بر او تعالی یا بر صفات او تعالی یا بر احکام و بر پیغمبران او تعالی و صفتهای خاص او تعالی را بر دیگری نسبت کردن شرک است بدانکه کفر و شرک نهایت بد است که گناهی برابر او نیست آنرا که کفر کند و شرک آرد کافر و مشرک گویند او هرگز بخشیده نخواهد شد تا توبه نیارد اما دیگر همه گنهگاران چنانکه گناه کبیره و صغیره کرده باشند بوقتی آمرزیده خواهند شد انشاء الله تعالی تو دانی که توبه چیست و بخشش و آمرزش چه پس توبه از کار ناهنجار خود شرمنده شده از خدای تعالی عفو و بعجز خواستن و پیش او تعالی عهد بستن که گاهی مرتکب آن کار

نخواہد شد و بخشش اینکه بعد ثبوت گناه و نافرمانی از رنج و تکلیف روحانی و جسمانی
رہائی دہد خواه بمہر خویش یا بشفاعت حضرت محمد صلعم یا بسفارش دیگر پیغمبران صلی اللہ تعالی
علی نبینا علیہم یا باولیا و نیکوکاران رضوان اللہ تعالی علیہم چون خلاصہ کیفیت ایمان و کفر
مطالعہ کردی ارکان اسلام را ہم نگہدار چنانکہ سقف بے ستون قایم نماند ہمچنین ایمان
ہم بے ارکان استحکام نہ پذیرد بلکہ بہ پستی گراید پس بدانکہ ارکان چہارگانہ اند نماز
روزہ رمضان حج و زکوۃ این ہا را بپاداشتن ایمان را مطبوطی کردن است
نماز فریضہ پنجگانہ را باوقات حسنہ و تعدیل ارکان لازم گرفتن و روزہ رمضان را ادا نمودن حج و
زکوۃ اگر بقعداد مقررہ زر بدست دارد ادا فرمودن دین را مستحکم نماید این چہار فرض کہ مذکور
شدند شرح طویل دارند اما درین مختصر انمودجی شرح نماز کہ رکن اول و عماد الدین است
اول ذکر کردہ مے شود و بعدہ ہمچنین طور یک یک فرض برسالہ جداگانہ تسطیر
خواہد شد اگر فرصت وقت و زندگانی دست دہد انشاء اللہ تعالے

سبق سوم در ذکر فرضہائے نماز و جزآن

باید دانست کہ چند چیز کہ مقدمہ نماز است دانستن آن بتقدم بر بیان مسائلش مناسب است

اولاً بذکر آن می پردازیم بدانکه از اصطلاحات احکام شرعیه عموماً و نماز خصوصاً فرض واجب و سنت و مستحب است و این هر چهار این است **فرض** امر قطعی الدلالة قرآن مجید و حدیث متواتر ست **واجب** امر غیر قطعی **سنت** قول یا فعل یا تقریر آنحضرت صلعم که احیاناً خلافش هم بظهور آمده باشد منکر قطعی ازین هر سه کافر ست **مستحب** آن فعل برگزیده هر دو سرا ست صلعم که گاهے بعمل آمده و تاکید در و واقع نشده تارک فرض و واجب مستحق دوزخ ہست و اول بد ہست از ثانی و تارک سنن مستحق عتاب و ملامت و تارک مستحب و نفل محروم از ثواب و فضیلت پس بدانکه برای نماز چهارده فرض اند هفت از ان بیرونی ہست و هفت اندرونی

بیان اوقات نماز

یکی از فریضہ بیرونی وقت نماز ست و آن پنج وقت اند یکی وقت نماز فجر ست و آن از ظهور رشتہ سفید عریض در افق شرقی تا نه برآمدن کناره آفتاب ہست دوم وقت ظہر ہست که ابتدائی آن بعد از زوال تا دو مثل سایه هر چیز سوائے سایه

اصلی ست و این یک روایت از حضرت امام اعظم رحمۃ اللہ علیہ و روایت دیگر از
امام صاحب و آن مذہب صاحبین و جمہور علماست کہ انتہای وقت ظہر تا یک مثل
سایہ ہر چیز سوای سایہ اصلی ست سوم وقت عصر و آن از ختم ظہر ہر دو قول ہست
تا غروب آفتاب چہارم وقت مغرب و آن از غروب آفتاب تا شفق
سرخ پنجم وقت عشا و آن از غروب شفق سرخ بر قول مفتی بہ تا نیم شب
و نزد امام اعظم تا صبح با کراہت تحریمی دوم از فریضہ بیرونی پاکی جای نماز
سوم پاک بودن پارچہ نمازگذار چہارم پاک بودن بدن مصلی از نجاست پنجم
پوشیدن ستر عورت و آن برای مرد از ناف تا زیر زانو ست و برای زن - زن
حرہ ہمہ بدن سوای رو و کفہای دست و ہر دو قدم و برای کنیز از پشت
و شکم تا زیر زانو ششم قبلہ رو بودن ہفتم نیت نماز

بیان فرضہای اندرونی

یکی از آن تکبیر تحریمہ ست دوم قیام سوم قرات چہارم رکوع پنجم
دو سجدہ ششم آخری قعدہ ہفتم خروج از نماز بفعل مصلی نزد امام اعظم رح

و واجبات و سنن و مستحبات نماز برتو در ترتیب نماز هویدا خواهد شد انشاء الله تعالی -

سبق چهارم در نجاست و طهارت

چون پاک داشتن جامه و بدن برای نماز فرض ست پس باید که پاکی و پلیدی را
شناسد پس بدانکه نجاست دو قسم ست نجاست غلیظه و نجاست خفیفه
غلیظه خون و ریم و قی و بول و منی و ودی و مذی و چرکین آدمی است و پس
افگنده جانوران حرام گوشت و پیخال بط و ماکیان و خونیکه وقت ذبح ریزد
و لعاب و تری خوک و سگ و فیل نجاست ست خفیفه پیخال و بول جانوران
ست که خوردن لحم شان جائز ست پس از نجاست خفیفه اگر چهارم
عضوی از عضوهای بدن یا ریزه از ریزه های پارچه آلوده شود پلید ست نماز با آن
جائز نیست و اگر ازین مقدار کم ست نماز جائز ست و از نجاست غلیظه بقدر درم
در غیر آب عفو ست نجاستها از شستن پاک شود پس اگر نجاست مرئی باشد شستن
آن مقداری که عین او زائل شود کافی ست و اگر غیر مرئی باشد پارچه را سه بار
شستن و سه بار فشردن پاک کند آب بر دو قسم ست جاری و غیر جاری

جاری ہر دو گونہ ست اندک و بسیار آب اندک از آلودن نجاست مطلقاً

ناپاک شود آب بسیار روان آبیکہ دہ ذراع در عرض و دہ ذراع در طول باشد

از آلودن نجاست بمقداریکہ صفتی از صفات سہ گانہ او را کہ رنگ و مزہ و بوست

متغیر گرداند ناپاک شود والا آب جاری بآلودن ناپاکی ناپاک نشود و دیگر

تفاصیل بسیار ست محلش مبسوطات فقیہہ اند ـ

سبق پنجم در بیان وضو

اولاً ذکر وضو کردہ میشود کہ بے وضو نماز و سجدہ و مس قرآن مجید جائز

نیست پس باید کہ نیت یعنی ارادہ وضو کردہ بخواند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝ قُلْ رَّبِّ اَعُوْذُ بِكَ

شروع ساتھ اُسکے نام کے جو نہایت مہربان ہے رحم والا ـ کہہ اے رب میرے پناہ مانگتا ہون مین تیری

مِنْ هَمَزٰتِ الشَّيٰطِيْنِ وَاَعُوْذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَّحْضُرُوْنِ

ساتھ وسواسون شیطانون سے اور پناہ مانگتا ہون مین ساتھ تیری اے رب میرے اس سے کہ حاضر ہون

بعدہ از آب پاک ہر دو دست تا بند دست بشوید سہ بار مضمضہ و غرغرہ کند

نیت نزد بعضی علما فرض است و در مذہب حنفی سنت ۱۲ منہ

و بسم اللہ خواندن نزد بعضی ضروری نزد اکثر مسنون و بعد بسم اللہ قل رب اعوذ بک الخ خواندن از اعمال سنت ۱۲ از احکام ۱۲ منہ

سه بار و مسواک[لو] کند و در بینی آب از دست راست انداخته از انگشت[عه] خنصر
چپ اندرون بینی صاف کند و بلغم اندازد سه بار[عه] و بشوید از کناره موی سر
تا زیر ذقن و تا هر دو گوش[عه] و دستها مع آرنج سه بار بشوید و یک هم کند و آب در
کف دست گرفته جانب آرنج هم فرو ریزد اولا از دست راست بعده از دست
چپ یک مرتبه[عه] مسح تمام سر کند یعنی هر دو کف دست را از آب تر کرده سر خنصر
و بنصر و وسطی هر دو دست را متصل کرده از جبین بر کاسه سر تا بن گردن
کشد که سر انگشتان بر فرق سر گذرند پس سبابها درون هر دو گوش گذارد
و از سر انگشتان پشت گوشها مالد و گردن را به پشت انگشتان مسح کند از دست
جانب راست و از چپ سمت چپ و هر دو پا مع شتالنگ[عه] بشوید چنانچه[عه] بار آب بریزد
و از خنصر چپ خلال انگشتان پا کند شروع از انگشت خرد پای راست باشد و خنصر را از
زیر قدم بالا آورد بعده همین طور قدم چپ را شسته خلال کند و این هفت عمل
پی در پی نماید تا آب یک عضو خشک نشود قبله[عه] رو نشسته وضو کردن
مستحب است آب وضو از کسی طلبیدن ممنوع نیست بعد وضو نگاه بسوی آسمان کرده بخواند

[لو] سنت مؤکده است و نیز فرموده که [illegible] فائده دارد ۱۲

[عه] مستحب است ۱۲

[عه] فرض است یکبار و سه بار سنت ۱۲

[عه] یعنی اگر کنجان باشد شستن آن بقدر [illegible] فرض است [illegible] مستحب و اگر کنجان نباشد شستن آن فرض ۱۲

[عه] مسح سر سنت و سنت همه سر ۱۲

[عه] فرض است

[عه] سنت است ۱۲

[عه] مستحب است

اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ

گواہی دیتا ہوں میں یہ کہ نہیں کوئی معبود لائق عبادت کے مگر اللہ کہ اکیلا ہے کوئی اوسکا شریک نہیں ہے اور گواہی دیتا ہوں میں یہہ کہ

مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِيْ مِنَ التَّوَّابِيْنَ وَاجْعَلْنِيْ مِنَ

محمد بندے اور رسول اوسکے ہیں ای اللہ کر دے مجکو توبہ کرنے والوں سے اور کر دے مجکو

الْمُتَطَهِّرِيْنَ سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَاَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوْبُ اِلَيْكَ

پاکیزہ لوگوں سے ظاہر و باطن سے پاک ہے تو ای اللہ برائی اور شرک سے اور ساتھ تعریف تیری کے اور بخشش مانگتا ہوں تجھسے اور تیری طرف رجوع کرتا ہوں

سبق شانزدہم

چون تیمم قایم مقام وضو و ہم غسل ست و وقتہا باشد کہ بہ وضو ضرورتی افتد

مختصرش بہ بیان آید اگر آب نباشد تیمم برای وضو یا برای غسل کند یا آب در

چاہ موجود ست اما برآوردنش ممکن نیست تیمم کند یا خوف جان و تشنگی باشد تیمم کند

و در صحرا برای آب چندان تجسس کند کہ وقت نماز نرود اگر احتمال فوت باشد تیمم کند

اگر در مرض خوف زیادتی مرض ہست یا زیادتی تکلیف تیمم جایز ست و طریق آن

این ست اگر برای غسل میکند نیت غسل باید کرد و اگر برای وضو میکند نیت وضو

۹ مستحب است ... کلمہ شہادت ... اللہم اجعلنی الی آخرہ ...

باید کرد و در هر دو صورت اگر نیت طهارت از حدث لاحق یا حل نماز کند هم کافی ست
بعده بر سنگ یا بر خاک پاک یا بر چیزیکه از جنس خاک باشد هر دو دست یکبار زده بر
روئے خود مالد چنانکه از آب در وضو میشوید که جای خالی نماند بار دیگر دستها
زده خنصر و بنصر و وسطی راست را با کف دست بر پشت دست چپ از ناخن تا آرنج [۵۱]
بمالد که جای خالی نماند و سبابه و نر انگشت را علیحده دارد اکنون دست چپ را بگرداند و از زیر
انگشت راست و سبابه حلقه زده جانب دیگر باز بر آرد تا سر انگشتان چپ بهمان
طوریکه جائی خالی نماند چنانکه در وضو دست باز از دست چپ دست راست را
بدین صورت بمالد و مسح انگشتان هر دو دست کند یعنی انگشتان یکدیگر را اندرون
اندازد و بس این دو ضرب سنت در تیمم و برائی وضو و غسل صورت یکیست
الا نیت [۵۲] و از باب تیمم مثل وضو چند نماز جائز اند تا شکسته نشود و شکننده وضو و تیمم یکی ست
یعنی آنچه وضو را شکند تیمم را نیز شکند و نیز تیمم را قدرت بر آب هم می شکند

سبق هفتم شکننده هائی وضو

براز و بول و ریح هر قدر که بر آید وضو را می شکند و باختلاف یکی شکننده وضو آن ست

[۵۱] لیکن درین جمیع ترکیب از ضرب تا تیمم نیست فرق همین قدر است که از سر انگشتان هر دو دست تا ... جای خالی نماند بطوریکه باشد ۱۲

[۵۲] نیت وضو بالا گذشت ۱۲

که وقت وضو هر قدر یکه از عضوهای وضو جای خالی ماند و خون و ریم که بر جلد بن
بر آمده از جای خود حرکت کرده باشد و قی پر دهن و خفتن و غنودن تکیه زده اما خفتن در
قیام نماز و در رکوع و سجده وضو را نمی شکند و هر چیزیکه موجب غسل ست شکننده
وضو ست و مذی و ودی و منی که بر آید و جنون و بیهوشی همه ناقض وضو اند اما
گذشتن مدت مسح بر موزه وضو را نمی شکند مگر شستن پا ها را واجب میکند

سبق هشتم در اذان واقامت

یکی از سنن موکده اذان ست که در صحرا و بیرون شهر و در مسجد بالخصوص برای
فرض و در خانه شهر اگر بگفته شود باکی نیست اذان چیست بانگی ست بالفاظ مخصوص
که مومنان برای جماعت نماز آگاه شوند چون وقت نماز می آمد حضرت بلال رضی الله عنه
اذان میگفت که پسندیده باری تعالی بود مومنان بر وقت نماز مطلع شده در مسجد شریف
حاضر می آمدند و بان حضرت صلعم نماز میگزاردند که در اصل نماز با جماعت ست پس اذان آن ست

اللہ اکبر اللہ اکبر اللہ اکبر اللہ اکبر

اللہ سب سے بڑا ہے — اللہ بہت بڑا ہے — اللہ سب سے بڑا ہے — اللہ بہت بڑا ہے۔

چہار بار پس أَشْهَدُ أَنْ لَّا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ دو بار پس أَشْهَدُ

گواہی دیتا ہوں میں یہہ کہ نہیں کوئی معبود مگر اللہ — گواہی دیتا ہوں

أَنَّ مُحَمَّدًا رَّسُولُ اللّٰهِ دو بار پس حَيَّ عَلَى الصَّلٰوةِ دو دفعہ پس

کہ تحقیق محمد صلعم رسول اللہ کے ہیں — آؤ نماز پڑہنی کو

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ دو بار اَلصَّلٰوةُ خَيْرٌ مِّنَ النَّوْمِ اما این

آؤ بہلائی پر — نماز بہتر ہے نیند سے

وقت صبح گفتہ شود نہ در وقت دیگر اَللّٰهُ أَكْبَرُ دو دفعہ پس

اللہ سب سے بڑا ہے

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ یکبار تمام شد موذن وقت اذان سبابہای خود در

نہیں کوئی معبود مگر اللہ

سوراخ ہائے ہر دو گوش دارد و شنونده را باید کہ ہر چہ موذن گوید

این ہم گویان باشد اما بر حَيَّ عَلَى الصَّلٰوة حَيَّ عَلَى الْفَلَاح

آؤ نماز پڑہنی کو — آؤ بہلائی پر

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ ٥

نہیں پہرنا گناہ سے اور قوت عبادت پر مگر ساتھہ مدد اللہ کے

گوید آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم فرموده کہ گردنہای موذنان از ہمہ

بلند خواہد بود پس شنوندہ ازین بہرہ محروم نماند بعد ختم اذان این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ وَالصَّلٰوةِ الْقَائِمَةِ اٰتِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِيْلَةَ

ای اللہ ای رب اس پوری پکار کے اور ای رب اس نماز قایم کے دی سردار ہمارے محمد صلعم کو وسیلہ

وَالْفَضِيْلَةَ وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيْعَةَ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَّحْمُوْدَنِ الَّذِيْ

اور بزرگی سب پر اور درجہ بلند اور بھیج اونکو مقام محمود مین کہ جسکا تونے

وَعَدْتَّهٗ وَارْزُقْنَا شَفَاعَتَهٗ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ

وعدہ فرمایا ہے اور نصیب کر ہمکو شفاعت اونکی قیامت کے دن تحقیق تو نہین بدلتا وعدہ کو

وہر چہ خواہد دعا کند کہ وقت قبول ست بعد اذان برای اقامت جماعت اینقدر
توقف باید کہ چہار رکعت گذاردہ شود اما برای نماز مغرب توقف نباید کرد
اکنون امام بجای خود قایم شود و موذن اقامت گوید یعنے تکبیر شروع
کند و الاہر مقتدی کہ بردست راست امام باشد اولی ست و چون تکبیر
گفتہ شود برای نماز مقتدیان صف کشندہ و چون قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوة
گفتہ شود امام نیت نماز کند و اقامت ہمچون اذان ست مگر بعد

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ

قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ دو بار گفته شود اَلصَّلٰوةُ خَيْرٌ مِّنَ النَّوْمِ[۵۱] نبايد

گفت وچون قَدْ قَامَتِ الصَّلٰوةُ گفته شود شنونده گويد اَقَامَهَا اللّٰهُ

وَاَدَامَهَا وبر الفاظ هاى ديگر هيچ نگويد وموذن ومكبر لفظ اللّٰه را دراز

دراز كند اما اكبر را نكشد ودر برابر كردن صفوف ها اهتمام نمايد وآنها را كج

نبايد داشت مقدم در صفها مردان اند ايستاده شوند بعده طفلان

پس ازان خنثى وعنين[۵۲] پس ترين زنان چون امام تكبير تحريمه گويد مقتديان

اقتدا ايش ورزند يك امام وسه مقتدى جماعت است اگر يك مقتدى باشد

بدست راست امام برابرش ايستد بچيزى پيس ازجماعت شخصے امام باشد

كه قرآن ازهمه بهتر خواند ومسائل نيكوتر داند واگر شخصے امام شود كه قرآن

ومسائل چندان داند كه ازانها نماز جائز باشد هم رواست

سبق نهم در بيان صفت نماز

نماز بر هر مومن عاقل بالغ[۵۳] فرض است هركه انكارش كند كافر است وهم اگر

[۵۱] آن حضرت صلعم تاكيد فرموده اند

[۵۲] يعنى ديوانه نباشد وكار دنيا وخريد فروخت بوقت ونقصان نتواند كرد ۱۲

[۵۳] بالغ يعنى در خواب ضرورت غسل افتد

بقصد و استنجا و تا سه روز ترکش نماید کافر گردد و هیچ فرضی نیست که تارکش کافر گردد الا نماز بفرموده مقبول حضرت رسول صلعم مَنْ تَرَكَ الصَّلٰوةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ و نزد جمهور علما کفر نیست بلکه اعظم کبائر است پس نماز را محکم گیر چنانچه باری تعالی فرماید اَقِیْمُوا الصَّلٰوةَ پس قایم کردنش همین که پنجوقته برغبت دل و بانکسار تمام با وقات حسنه و به تعدیل ارکان ادا کرده باشد و به هیچ وجه نگذارد اگر ایستادن نتواند نشسته بخواند اگر این هم نتواند بر قفا گذارد و در صحت و مرض در سفر و حضر در امن و اضطراب نماز گذاشتنی نیست و نماز را بران طور ادا نماید که آن حضرت صلعم ادا میفرمودند یعنی بعد اذان اقامت ایستاده شود بهر دو قدمها و هر دو پا را برابر دارد به تفاوت چهار انگشت و نیت کند که نیت میکنم برای چهار یا دو رکعت فرض وقت صبح یا ظهر وغیره پس این امام اگر مقتدی باشد برای امامت برای الله تعالی گفته و فهمیده هر دو دست تا نرمهٔ گوش برداشته تکبیر تحریمه یعنی اَللّٰهُ اَکْبَرُ گویان زیر ناف بندد چنانکه دست چپ زیر دست راست باشد و از خنصر و نر انگشت ره است

حلقہ زند و زن وقت نیت ہر دو دست تا دوش برداشتہ بر سینہ بندد

این چیست از ہمہ کار ظاہری و باطنی دست برداشتن و دل بگارش آمیختن ست

و ہمین گفتن کہ خداوندا تو از ہمہ بزرگ و برتر ہستی و من بندہ حقیر دست پیش تو

آمدہ ام و بر کسی و بر ہیچ جانب نظر نہ اندازد و التفات نکند و بر جای سجدہ

نظر دارد و بعجز و فروتنی ایستادہ باشد بدین طور ایستادن چیست

پیش شہنشاہ حاضر شدہ عرض معافی ست از تقصیر و گناہ خود بدین سبب

در ابتدای قیام تسبیح گفتہ میشود آنرا ثنا گویند الفاظ آن این ست

سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَتَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالٰى جَدُّكَ

تو پاک ہے اور تیری پاکی ہی اے اللہ اور ساتھ تعریف تیری کے جو کسیکو نہیں لگتی اور بزرگ ہے نام تیرا اور بلند ہے مرتبہ تیرا

وَلَا اِلٰهَ غَيْرُكَ ○ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ

اور نہیں کوئی معبود سوا تیری پناہ مانگتا ہوں میں ساتھ اللہ جلشانہ کے شیطان

الرَّجِيْمِ ○ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ○

نکالے ہوی سے شروع کرتا ہوں میں ساتھ نام اللہ کے جو بڑا مہربان نہایت رحم والا

دو یجا تفصیر ست ملاعہ شامی اہل اول کردہ ۱۲

سنت ست واد ب ست

واجب ست

شروع التفات ست ۱۲

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ۝ اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝ مَالِكِ

سب تعریف اللہ کو ہی جو صاحب ہے جہان کا بڑا مہربان نہایت رحم والا مالک انصاف کے

يَوْمِ الدِّيْنِ ۝ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِيْنُ ۝ اِهْدِنَا

دن کا تجھی کو ہم عبادت کرتے ہین اور تجھی سے مدد چاہتے ہین ہم دکہادی ہمکو

الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ ۝ صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

راہ سیدہی راہ اون کے جن پر تو نے احسان کیا اور مت دکہا رستہ اونکا

غَيْرِ الْمَغْضُوْبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّآلِّيْنَ ۝ اٰمِيْن ۝

کہ جیسے چلنے والون پر غضب ٹوٹا اور نہ گمراہون کا رستہ دکہا ایسا ہی ہو وی ای اللہ

آمین مخفی گوید و بروقت خواندنش دل بہ معنی گمارد و بعد فاتحہ در دو رکعات اولی فرض یک آیۃ کلان یا سہ آیۃ خورد آمیزد یعنی اول سورۃ فاتحہ و بعدش سورۃ دیگر خواند اما در رکعات آخری صرف فاتحہ خواندن کافیست و در نماز سنت و نفل در ہمہ رکعات آمیزیدن واجب است چون از بہترین سورتہای خورد سورۃ اخلاص است لہذا در ینجا نوشتہ می آید سورۃ اخلاص

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ۝ اَللّٰهُ الصَّمَدُ ۝

کہہ دو ای محمد صلعم کہ اللہ ایک ہے اللہ بے نیاز ہے

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ كُفُوًا اَحَدٌ ۵

نہ اوسنے جنا - اور نہ وہ جنا گیا — اور نہیں اوسکے جوڑ کا کوئی

یا چہار سورہ دیگر از سورہ یا آیت آمیز داما کم از مقدار مذکورہ نباشد پس رکوع کند

یعنی اللّٰہ اکبر گویان سر فرو اندازد چندانکہ سر و پشت برابر سرین باشد و

کمر چون تختہ باشد و با ہر دو دست زانو را محکم گیرد و نظر بر پائی خود دارد و سہ بار

خفیہ خواند سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیْمِ این از بالا افتادن چیست

پاکی ہے رب میری کو جو بڑا ہے

بدان کہ چون مدعا صورت اجابت گرفت داعی بخواہش زود

قبولیت اظہار عجز کرد و پشت خم ساخت و گفتن آغاز کرد کہ پروردگار

برتری و پاک از ہمہ بدی اگر سُبْحَان در نفل زیادہ از سہ بحساب طاق

خواند بہتر است پس سَمِعَ اللّٰہُ لِمَنْ حَمِدَہٗ بطور مذکور گفتہ قومہ کند یعنی

سنی اللہ نے تعریف اپنی جو اوسکے واسطے ہے

از رکوع برخاستہ قایم شود و دستہا گذارد و چون امام سمع اللہ گوید مقتدی

و ہمچنین منفرد بعد سمع اللہ خود رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ خواند و اگر

حَمْدًا كَثِيْرًا طَيِّبًا مُّبَارَكًا فِيْهِ بعد ربنا لک الحمد بیفزاید

فرض ہست

سنت ہست

سنت ہست

واجب ہست یکبار واجب

سنت ہست

مسنون است

سنت ہست

هم خوب است و اگر امام هم این تحمید را گوید نزد بسیاری از علما مستحب است
چون بلندی درجه هویدا شد داعی حیران شده سر برداشت که خواب است
یا بیداری کجا من بندهٔ هیچکاره و کجا این درجه مقربانه و بعد وقفه چو این تحقیق شد
بر زبان خود کلمات شکر و دعا همی راند و چون اینجا درجهٔ قبولیت پیدا یافت
سر شکرانه بر زمین عجز انداخت این است قومه و سجده و چنان رود که
اول هر دو زانو بر زمین رسند و باز هر دو کف دست باز سر در میان هر دو دست
نهد که جبین و بینی هر دو قرار گیرند نظر بر بینی افتد و انگشتان قبله رو باشند
ازینجا و شکم از فخذین و زمین علیحده باشند و زن این هر یک عضو را
چسپانَد و خواند سه بار خفیه سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى گویا بزبان
پاکی ہے رب میری کو جو سب سے برتر ہے
حال میگوید که تو پاکی و پروردهٔ برتری از من کمترین هیچ نیاید جز اینکه خود را
بخاک افگنم اگر تکرار تسبیحات بحساب طاق کند زیاده اولی است و فهمد که
هیچکس برابر او نیست و من و همنشین او نهایت عاجز اند و همین خضوع است
اکنون الله اکبر گویان سر بردارد و دو زانو نشیند که پنجه پای را است

ایستادہ باشند و انگشتہا پیش قبلہ رو جز زمین باشند و پنجہ چپ زیر خود
بگسترانند و نظر و ہر دو دست بر فخذین دارد و انگشتان قبلہ رو و زن ہر
دو قدم خود جانب راست بیرون گذارد این را جلسہ نامند و بخوانند

۵۰ بجہت ۱۲

۵۱ فرض سنت ۱۲

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِيْ وَارْحَمْنِيْ وَاهْدِنِيْ وَارْزُقْنِيْ

اے اللہ بخش دے گناہ میرے اور مہربان ہو مجھ پر اور چلا راستہ بتا مجھکو اور روزی دے مجھکو

وَارْفَعْنِيْ وَاجْبُرْنِيْ

اور مرتبہ دے مجھکو اور نقصان سے بچا مجھکو

۵۲ وبجہت خواندن دعا بخفیہ خوانند ۱۲

این شکرانہ ادا کردہ باز بدعا پرداختہ مہر و رزق و عزت میخواہد اکنون چون نشان قبول پیدا شدہ نتوانستن نشستن دگر بارہ افتاد و جبین نیاز بر زمین نہاد پس ہمین طور سجدہ دیگر نماید این ہر دو سجدہ فرض اند باید کہ ہر دو را پے در پے کنند این یک رکعت شد ہمہ رکعات باین طور ادا کنند چون دو رکعت با تمام رسانند بنشینند بہمان صورت کہ در جلسہ نشستہ بود و خوانند بخفیہ

۵۳ تا طلب بہ پیغمبر آنحضرت صلعم است کہ بندہ ادا کند

۵۴ خداوند تعالی فرماید ۱۲

اَلتَّحِيَّاتُ لِلّٰهِ وَالصَّلَوٰتُ وَالطَّيِّبَاتُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

عبادتیں زبان کی واسطے اللہ کے ہیں اور دعا عاجزی کی اور ادب پاکیزہ سلام پہونچے تجھکو

اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا

اے نبی رحمت اللہ کی اور برکتیں اوسکی سلام ہمپر

وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰہِ الصَّالِحِیْنَ ۝ اَشْھَدُ اَنْ لَّآ اِلٰہَ اِلَّا اللّٰہُ

اور اوپر صالحین بندگان خدا کے ۔ مین گواہی دیتا ہون کہ کوئی لائق عبادت نہین سوا اللہ کے

وَاَشْھَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُہٗ وَرَسُوْلُہٗ ۝

اور گواہی دیتا ہون مین کہ محمد صلعم بندے اوسکے ہین ۔ اور رسول اوسکے

اکنون قابلیت نشستن حاصل کرد تا بگوید آن کلام کہ بشب معراج باہم یگانہ

و محبوب بے ہمتا درمیان آمدہ بود پس بدان کہ نماز برای ہریکی ازین امت مرحوم

بدرجہ معراج ہست مصلی را باید کہ خود را بحضور آن تعالی داند واین را قعدہ اولے

گویند اگر نیت چہار رکعت بود ہر دو رکعت و قعدہ را شفعہ نامند پس اگر نیت

برای چہارگانہ ہست برخیزد و تکبیر گویان کہ شروع مدکند از ینجا تا آن کہ

راست شود و قتیکہ تعداد رکعات موافق نیت تمام شود بنشیند کہ این را قعدہ

اخیرہ نامند اینجا بعد تشہد یعنے التحیات و درود را باو شامل کند و درود این

این بار اہم مخفی خواند اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّعَلٰی

ای اللہ درود بھیج اوپر محمد صلعم کے اور اوپر

اٰلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرَاھِیْمَ

اولاد محمد صلعم کے جیسے کہ رحمت بھیجی تونے اوپر ابراہیم علیہ السلام کے

وعلیٰ اٰلِ ابراھیم انک حمید مجید ○

اور اوپر آل ابراہیم علیہم السلام کے تحقیق تو اصلی تعریف کیا گیا بزرگ ہے

اللّٰھم بارِک علیٰ محمدٍ وعلیٰ اٰلِ محمدٍ کما بارکت

ای اللہ برکت نازل کر اوپر محمد صلعم کے اور اولاد محمد صلعم پر جیسے کہ برکت نازل فرمائی تونی

علیٰ ابراھیم وعلیٰ اٰلِ ابراھیم انک حمید مجید ○

اوپر ابراہیم علیہ السلام کے اور اوپر اولاد ابراہیم علیہ السلام کے بیشک تو تعریف والا بڑا ہے

واین درودہا چیست تو گوئی کہ چون فرشتگان این سوال وجواب کہ دلیل

نہایت مرتبہ است لشب معراج دیدند بہ تعریف آن صلعم مشغول شدہ

بودند اللہ اللہ برای ہر یک مصلی صد نازلیس وقت است کہ ہر التجا درجہ

پذیرائی یابد چون از کمال تحمید گوناگون فارغ شدہ وپس آن درود

بر سید المرسلین ادا کرد وقت اجابت دعا حاضر شد پس مناسب آمد کہ

در این چنین موضع مشغول بدعا شود وبہترین از انہا این ست

ربنا اٰتنا فی الدنیا حسنۃً وفی الاٰخرۃ

ای پالنے والے ہمارے دی ہمکو دنیا مین بھلائی یعنے رزق اور اولاد نیک اور دی بیچ آخرت کی

حسنۃً وقنا عذاب النار ○ السلام علیکم ورحمۃ

نیکی کہ دیدار و فضل ہے اور بچا ہمکو عذاب دوزخ سے سلامتی ہو اوپر تمہاری اور رحم

اللہ گوید و جانب راست سر بگرداند باز اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَۃُ اللہِ
اللہ کا سلامتی ہو اوپر تمہارے اور رحم اللہ کا
گوید و جانب چپ سر بگرداند اکنون نماز تمام شد چون بعد سلام
نماز فرض وقت اجابت دعاست باید که بخشوع و خضوع بدعا مشغول شود
و هرچه خواهد طلب دارد اما آنچه لایق شان آن تعالی شانه باشد این سلام
بر فرشتگان و امام و مقتدیان است که امام بر مقتدیان و فرشتگان
سلام گوید و مقتدیان بر امام و فرشتگان و مقتدیان در سفر ظهر و عصر
و عشا دو دو رکعات باید خواند آنرا نماز قصر گویند —

سبق دهم در تعداد رکعتهای نماز پنجگانه از فرائض و سنن و نوافل

در نماز صبح چهار رکعات اند اول دو سنت اند موکده که ضرور خواند چندانکه اگر جماعت
صرف امید یافتن یک رکعت دارد تاهم این ترک نه نماید اما اگر وقت تنگ باشد
این را ترک کرده صرف فرض ادا کند و سنت بعدش ضرور نیست و دو رکعت فرض اند
اما در فرض او با جهر یعنی فاتحه و سوره را با آواز ظاهر خواند اگر تنها باشد خواهد جهر کند یا باخفا
در ظهر دوازده رکعات اند اول چهار سنت پس چهار فرض باخفا باز دو رکعت

سنت پس دو نفل اگر جماعت ایستاده باشد چہار رکعت سنت اولی را تاخیر
کرده فرض و جماعت دریابد و بعدش این چہار رگانه را ادا نماید اگر وقت
تنگ باشد فرض اول بخواند بعد این چہار دو دیگر را اگر وقت خارج
شده باشد والا سنت قضا کرده نمی شود دو سنت فجر تفصیل است
نماز جمعه که وقتش وقت ظہر است فرض است بر ہر مرد صحیح و مقیم
شروطہائیکه برائی ادائیش باشند شش گانه اند که از انہا یک جماعت است
که بدونش نماز جمعه ادا نخواہد شد یک خطبه است که آنحضرت صلعم بدو
خطبه میخواند اگر خطبه حاضر نباشد این تسبیح و تحمید و تہلیل و تکبیر
سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ ط
پاک ہے اللہ سب عیبوں سے اور سب تعریف اللہ کو ہے اور کوئی معبود برحق نہیں مگر ایک سچا خدا اور اللہ سب سے بڑا ہے
قایم مقام خطبه تواند شد و در میان ہر دو خطبه وقفه خفیفه باید بغیر دست برداشتن
دعا نماید که وقت قبول است چون امام بر منبر آید بانگ بروئیش گفته آید و مردان
به صف در نشینند اولاً خطبه خوانده شود بعده نماز جمعه دو رکعات با جہر رکعات
نماز جمعه دوازده باید خواند اول چہار سنن بعدش دوگانه جمعه با جماعت بعد
دو سنن دیگر و درین زمان که علما در وجود شروط ادای جمعه درین دیار اختلاف دارند

چہار رکعات فرض بہ نیت احتیاط جمعہ ادا کردن خوبست اما در ہر چہار رکعات
فاتحہ وسورہ خواند اینہا دوازدہ رکعات شدند۔ در عصر چہار رکعات اند
فرض با جہر اما اگر پیش آنہا چہار یا دو رکعت سنت خواندہ شود بہتر ہست در مغرب
مغرب ہفت رکعت اند اول سہ گانہ فرض با جہر منفرد خواہ خواہ جہر کند یا اخفا بعدہ
دو سنت ودو نفل باز اگر چہار رکعات یا شش نفل ہر دو رکعت بیک سلام ادا نماید
نیکو نرست و چہار رکعت بیک سلام ہم جائز ہست ونام این نفلہا صلوۃ اوابین است
در عشا اگر اولاً چہار نفل خواند بہتر ہست بعدش چہار گانہ فرض ادا نماید امام با جہر
و تنہا ہر گونہ خواہد بعد ازان دو رکعت سنت بر خواند و وتر خواندن کہ واجب سنت وقتش
در وقت عشا افتاد مع لحاظ ترتیب پس باید کہ بعدش سہ گانہ وتر ادا کند و بعدش
دو نفل خواند و بہتر ہست کہ این را نشستہ خواند چون بندہ این رکعات عشا را با جماعت
ادا کرد گویا کہ ہمہ شب در عبادت گذاشت اما اگر در عشا چہار نفل پیشین ادا نماید و
اکتفا کند بر چہار فرض و دو سنت و سہ گانہ وتر بعدش دو نفل ہم کافیست
و باید دانست کہ وتر سہ رکعات بیک نیت باخفا وتر است بعد دو رکعت قعدہ کند

و در رکعت سوم بعد فاتحہ و سورہ رفع یدین کردہ دعای قنوت مخفی خواند و بعدش

رکوع کند و قعدہ اخیرہ کردہ سہ گانہ با تمام رساند رفع یدین این است کہ ہر دو دست

تکبیر گویان تا نرمہ گوش بر داشتہ بنہد چنانکہ در تکبیر تحریمہ گذشت در رمضان شریف

وتر با جماعت و ہر سہ رکعات با جہر خواند و قنوت مخفی و دعای قنوت این است

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْتَعِيْنُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ

ای اللہ تجھی سے مدد مانگتے ہین اور تجھی سے بخشش مانگتی ہین اور تجھی پر ایمان لاتے اور ہمارا بہروسا کرنا تجھی پر ہے

وَنُثْنِيْ عَلَيْكَ الْخَيْرَ وَنَشْكُرُكَ وَلَا نَكْفُرُكَ وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ

اور تیری ہی تعریف کرتے ہین اچھی اور شکر کرتے ہین تیرا اور ہرگز کفر نعمت تیری کا نہین کرتے اور بیزار ہوتے ہین اور چھوڑتے ہین ہم اسکو

مَنْ يَّفْجُرُكَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّيْ وَنَسْجُدُ

جو نافرمانی تیری کرے ای اللہ تیری ہی عبادت کرتے ہین ہم اور تیری ہی نماز پڑھتے ہین اور سجدہ کرتے ہین

وَاِلَيْكَ نَسْعٰى وَنَحْفِدُ وَنَرْجُوْ رَحْمَتَكَ وَنَخْشٰى

اور تیری ہی طرف دوڑتے ہین اور خدمت کرتے ہین اور امیدوار ہین رحم تیری کی اور ڈرتے ہین

عَذَابَكَ اِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ ط

عذاب تیرے سے بیشک عذاب تیرا کافرون سے ملنے والا ہے

سبق یازدهم در بیان بعض ضروریه

جائزست همه نماز در ریل اگر ایستاده باشد تکلفی نیست اما وقتیکه روان
باشد رادا کردن نماز اگر برای قیام ریل انتظار کند بهتر است اگر خوف باشد
که در انتظار وقت از دست میرود باید که نماز گذارد و احتیاطاً بعد فرود
آمدن از ریل قضا پیش کند برای نماز فرض قبله متعین کرده نیت کند بعده
اگر ریل برگردد مضائقه ندارد خود هم بگردد و برای نفل بر سواری بیرون
از شهر تعیین قبله ضرور نیست متنفل مختار است که ایستاده گذارد یا نشسته
از نمازهای واجبه نماز عید الفطر و ضحی و تراویح در رمضان
شریف تا یک ختم قرآن مجید است نماز عید الفطر والضحی دو دو رکعات
با شش تکبیرات اند برای شان نیت کند که نیت میکنم
برای نماز عید الفطر یا عید الضحی
با شش تکبیرات باقتدای این امام بعد تکبیر
تحریمه ثنا خوانده سه تکبیر ها گوید چنانکه بر هر تکبیر رفع یدین کند

اما درمیان تکبیر ہا بربندد این چہار تکبیرات شدند اکنون دستہا ببندد ونماز شروع کند وقبل رکوع ثنا سے سہ تکبیرات گوید چنانکہ در رکعت اولی گفتہ شد بعد چہارم تکبیر گویان رکوع کند بعدہ نماز بدستور تمام کنند وبعد نماز خطبہ است نماز تراویح بست رکعات اند بدہ سلام درماہ رمضان شریف در وقت عشا تا ختم قرآن مجید سنت موکدہ است کہ حضرت عمر رضی اللہ عنہ بر تارک آنہا حکم جہاد فرمودہ اند چند وقت اند کہ درآنہا نماز وسجدہ منع است وآن وقت طلوع وزوال وغروب آفتاب است مگر عصر آن روز ودرمیان نماز عصر ومغرب چند وقت اند کہ درآنہا نفل گذاردن بسیار ثواب دارد یکی بعد نیمہ شب یا بعد دو ثلث شب تا صبح صادق تہجد است کہ آنحضرت صلعم گاہی ترک نفرمودہ این از دوازدہ رکعات تا چہار رکعات است وبعد یک نیزہ برخیزیدن آفتاب چہارگانہ نفل است چنانچہ نماز فجر خواندہ در ذکر ماندہ وتا این چہارگانہ ادا نکردہ باشد در شغل دنیا میل نہ نماید تا ثواب یک حج

وعمرہ یابد این را اشراق گویند و بعد یکپاس روز چہار گانہ دیگر ہست
آنرا چاشت نامند توفیق رفیق باد کہ این ہمہ ادا کردہ آیند بہ جہر رواست در
ہمہ نوافل در شب نہ در روز نماز در شب تا ہشت رکعات بہ چہار قعدہ بیک
نیت رواست اما در روز از چہار گانہ نفل بدو قعدہ و یک نیت جائز نیست مقتدی
در ہر نماز خاموش ایستادہ قرآن امام شنود و قرآن نخواند اما اگر فاتحہ خواند
خوب است کہ آنحضرت فرمودہ اند لا صلوٰۃ الا بفاتحۃ
الکتاب واقتدای امام کند و در ہیچ رکنے پیشی نگیرد
در نوافل شب بغیر تداعی و در قضا ہم امامت رواست

سبق دوازدہم در شرکت جماعت

یعنی وقتیکہ جماعت قایم ہست یا شخصے فرض ادا میکند و کسی با اینہا شرکت
میخواہد او را باید کہ تکبیر گوید و شریکش شدہ اقتدای امام کند اگر امام پیش
جماعت ایستادہ باشد این یعنی مقتدی یا مسبوق در صف بایستد و سبحانک
اللہم نخواند وقتیکہ امام نماز تمام کند و سلام دہد مسبوق مقتدی

را باید که بدون سلام برخاسته باقی نماز را باتمام رساند بدین طور که اگر
از رکعات اولین ترک شده باشد آنها را با فاتحه و سوره خواند و اگر از
شفعهٔ اخری چیزی مانده بلا سوره تمام نماید اگر شخصے تنها در نماز باشد مسبوق را
باید که وقت شریک شدن تکبیر با جهر گوید تا مصلی آگاه شود و نیت اقامت
کرده مسبوق را مقتدی خود گرداند و بر دست راست بچیزی پس ایستاده شود
اگر این شخص تنها که امام گرفته شده است بوقت رکن او شخص سابق
تکبیر جهری گوید معلوم شد که فرض ادا نماید پس باقتدا ایش پردازد و اگر
تکبیر مخفی گفت معلوم شد که فرض نیست اقتدا ایش نکند. و اگر امام در رکوع است
یا در سجده وغیره باید که مسبوق نیت کرده هر دو دست بلکه بربسته در همان رکن
شریک شود که امام در وی است و هرگز انتظار قیام امام نکشد وقتیکه مسبوق نماز
بقیهٔ خود را ادا کردن شروع نماید در اولش ثنا خواند اگر یک مقتدی باشد و دیگرے
نیز شریک شود باید که پس امام بعد نیت اول را کشد و هر دو برابر
پس امام ایستند و یا مقتدی نو برابر مقتدی سابق ایستد

وامام البته بجای خود پیش قدمی کند و همین بهتر است

سبق سیزدهم در سجدهٔ سهو

آن دو سجده کردن است با تشهد و درود و دعا یعنی بعد تشهد یک سلام کرده دو سجده کند و بعده تشهد و درود و دعا خوانده نماز تمام کند در نمازی که سجدهٔ سهو لازم شود اگر ادا نکند اصل فرض از ذمه ساقط شود لیکن اعادهٔ آن نماز بر ذمه واجب نمی ماند و آن در تاخیر رکن فرض و در ترک واجب واجب می شود تاخیر فرض آن است که مثلاً بعد یک رکعت بقدر ادائی یک رکن یا زیاده بنشست سجدهٔ سهو کند یا در قعدهٔ اولی بعد خواندن تشهد برای برخاستن تاخیر کرده درود تا اللّٰهم صلّ علیٰ محمّد خواند سجدهٔ سهو کند ترک واجب آن است مثلاً ترتیب ساقط کردن چنانچه سوره قبل فاتحه خواند یا سجده بر رکوع مقدم ساخت یا بعد فاتحه سوره نیامیخت یا قومه یا جلسه یا قعدهٔ اولی نکرد یا نماز بلفظ السلام تمام نکرد اندرین صورتها سجدهٔ سهو کند و ازینها یک خطا باشد

یا زیادہ سجدہ سہو یکبار کردہ خواہد شد اگر تسبیحات رکوع و سجود و دعائی قومہ جلسہ

و تشہد و درود کہ خفض اند بآواز مسموعی بر خواند اگر قرات خفی را با جہر

یا جہری را با خفا ادا کرد قلیل یا کثیر سجدہ سہو کند سجدہ سہو

لازم نباشد البتہ در جہر تشہد بعض فقہا بلزوم سجدہ سہو قائل اند

سبق چہاردہم در مفسدات و مکروہات نماز

مفسدات اگر ترک کرد فرضے یا زائد کرد عملی کہ منافی نماز باشد نماز فاسد شد مثلاً

قیام یا رکوع یا سجدہ یا قعدہ اخری نکرد یا خندید نماز فاسد شد یا در سجدہ

انگشتہای ہر دو پا از زمین برداشت یا مجنون شد در نماز یا بعد حدث کرد

نماز فاسد شد یا سر و سینہ از قبلہ بگردید یا تنحنح یعنے آواز از حلق برائے

صاف کردن صوت کہ از حروف اُح اُح بلا عذر و بلا غرض صحیح کرد

یا حرکت کثیر کرد نماز فاسد شد حرکات کثیر حرکات پے در پے اند یا

حرکتے کہ نمازی آنرا کثیر گمان کند یا در نظر بینندہ معلوم شود کہ حرکت کنندہ

در نماز نیست و این صحیح ترین اقوال است مکروہات در نماز بر یک پا ایستادن

وپارچه پوشیدن حقیر و ذلیل باوجود بودن پارچه خوب و عزیز و بیکار دو ابرو ویش داشته گوشه‌هایش رها کردن و نماز را در شدت حاجات ضروریه یا در شدت اشتهای سخت طعام و آب باوجود حضوری آن ادا کردن چشم پوشیده یا برهنه سر نماز گذاردن اگر تواضعاً نباشد و خاک و خاشاک از جای سجده صاف کردن مکروه است اگر یکبار بجهت ضرورت باشد مکروه نیست

سبق پانزدهم در دعاها و عملها

باید که بعد نماز بدعا مشغول شود هرچه که لائق خواستن ازان بارگاه باشد برجوع قلب استدعا نماید که دعائی مومن قبول است در دنیا اگر ظهور نیابد در آخر ضرور اجر عظیم بدست آید و خاص اوقات قبول این است بعد نماز فرض و در ثلث آخر شب و درمیان نشستن امام بر ممبر برائی خطبه نماز جمعه تا ختم نماز و درمیان ماه رمضان مبارک خصوصاً وقت افطار وقت غروب بروز جمعه و در مرض و در سفر و غائبانه برای غایب و ظهورش بروقت مقرره در علم الٰهی موقوف است و نیز بشرط مشروط ادعیه که در قرآن مجید و فرقان حمید

آمدہ اند بہتر انہ خوب و مرغوب بندہ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَّسِينَا أَوْ

ای رب ہمارے نہ پکڑ ہماؤ من عیب پر ہمکو کہ ہمنے بھول گئے یا چوک گئے

أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ

ای رب ہمارے مت ڈال اوپر ہمارے بوجھ جیسا کہ رکھا تونی اوسکو اوپر اونکی کہ تھے

مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ

جو ہمسے پہلے تھے ای پالنے والے ہمارے اور مت رکھوا ہمپر وہ چیز کہ جسکی ہم مین طاقت نہین اور معاف کر

عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ

ہمسے اور بخشش کر واسطے ہمارے اور رحم کر ہمپر تو کارساز ہمارا ہے پس فتح دے ہمکو اوپر قوم

الْكَافِرِينَ ۝ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

کافروں پر ای رب ہمارے مت ٹیڑھے کر ہمارے دلونکو بعد اسکے کہ ہدایت دی تونے

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝

اور دی تونے ہمکو اپنی پاس سے رحمت بیشک تو بڑا ہی دینی والا ہے۔

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا

ای رب ہمارے ظلم کیا ہمنے اپنی جانون پر اگر نہ بخشیگا تو ہمارے گناہ

وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ○ رَبَّنَا إِنَّنَا

اور نہ رحم کریگا ہمپر بیشک ہم ہوجاوینگے تباہ دنیا و دین مین ای پالنے والی ہمارے تحقیق ہمنے

سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُّنَادِيْ لِلْإِيْمَانِ أَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا

سنا پکارنیوالے کو کہ ایمان کیطرف پکارتا ہے کہ ایمان لاؤ اپنی رب پر پس ایمان لائے ہم

رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّاٰتِنَا وَتَوَفَّنَا

ای رب ہمارے بخش ہمارے گناہ اور دور کر ہمسے برائیان ہماری اور مار ہمکو

مَعَ الْأَبْرَارِ ○ رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَّنَا عَلٰى رُسُلِكَ

ساتھہ نیکون کے ای رب ہمارے دی تو ہمکو وہ چیز جسکا تونے وعدہ کیا ہے ہمسے اپنی رسولون کی معرفت

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ

اور مت رسوا کر ہمکو دن قیامت کے تحقیق تو بدلتا نہین ہے وعدہ

رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَّفِي الْاٰخِرَةِ

ای پالنے والے ہمارے دی ہمکو دنیا مین نیکی اور آخرت مین

حَسَنَةً وَّقِنَا عَذَابَ النَّارِ ○ رَبَّنَا تَقَبَّلْ

نیکی اور بچا ہمکو عذاب دوزخ سے ای رب ہمارے قبول کر

مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۵ و این غیراز قران دعاہاے

ہے ہمارے کلام تحقیق تو سننی والا جانني والا ہے

ماثورہ است اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَّعَلٰى

اي اللہ درود بہیج اوپر سردار ہمارے محمد صلعم کے اور اوپر

اٰلِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ صَلٰوةً تُنْجِيْنَا بِهَا مِنْ جَمِيْعِ

اولاد سردار ہمارے محمد صلعم کے وہ درود کہ نجات دی تو ہمکو اوسکی برکت سے تمام دہشتون

الْاَهْوَالِ وَالْاٰفَاتِ وَتَقْضِيْ لَنَا بِهَا جَمِيْعَ

دنیا اور آخرت سے اور دارین کی آفتون سے اور پوری کر ہماری اسکی واسطے تمام

الْحَاجَاتِ وَتُطَهِّرُنَا بِهَا مِنْ جَمِيْعِ السَّيِّئَاتِ

دونون جہان کی حاجتین اور پاک کردے ہمکو اوسکی برکت کے سبب برائیون سے

وَتَرْفَعُنَا بِهَا عِنْدَكَ اَعْلَى الدَّرَجَاتِ وَ

اور بلند کر ہمکو اسکے سبب اپنی نزدیک بلند ترین درجات مین اور

تُبَلِّغُنَا بِهَا اَقْصَى الْغَايَاتِ مِنْ جَمِيْعِ الْخَيْرَاتِ

پہونچا ہمکو اسکی برکت کے سبب سے نہایت مطلبونپر تمام بہلائیون سے

فی الحیاۃ و بعد الممات انک علیٰ کل شیٔ

بیچ زندگی کے اور پیچھے مرنے کے آخرت مین تحقیق تو اوپر ہر چیز کے

قدیر ہ دیگر خوب است اللھم اغفرلی ولوالدی

قدرت رکھنے والا ہے ای اللہ بخش دی مجکو اور میرے باپ دادونکو

والوالدات والمسلمین والمسلمات

اور میری مان دادیون اور نانیونکو اور تمام مسلمانون اور مسلمانیون کو

انک انت السمیع المجیب الدعوات ہ وظائف

اللہ تو سنّنی والا قبول کرنیوالا دعاؤنکا ہے

باید کہ بخواند این را بعد ہر نماز فرض و این را آیۃ الکرسی میگویند کہ برای حفاظت

جان و مال مجرب است و خواند نش بعد ہر فرض در حدیث شریف وارد شدہ

اللہ لا الٰہ الا ھو الحی القیوم لا تاخذہ سنۃ

اللہ کہ نہین کوئی معبود سچا سوا اوسکے زندہ تھامنی والا نہین لگتی اوسکو اونگھہ

ولا نوم لہ ما فی السمٰوات وما فی الارض

اور نہ نیند اوسی کی ہے ہر چیز جو آسمانون اور زمین مین ہے

فائدہ ۱۹ بیچ اس صلوٰۃ کے بھیجنا ہے آنحضرت صلعم پر

فائدہ ۲۰ زیادہ بود و دولت ... جو شخص پڑہے سو بار ... کہ سب بار ... استغفار ... قبول ہو ... اور ... کو ... بخشے

فائدہ ۲۱ روایت ہے ... جو شخص ہر فرض نماز کے ... پڑہیگا ... جنت ... حاصل ہوگی

مَنْ ذَا الَّذِيْ يَشْفَعُ عِنْدَهٗٓ اِلَّا بِاِذْنِهٖ يَعْلَمُ

کون ہے ایسا جو شفاعت کرے اوسکے حضور مین مگر اوسیکے حکم سے وہ جانتا ہے

مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيْطُوْنَ

وہ شی جو آگے اون کے ہے اور جو پیچھے اون کے ہے اور نہین گہیر سکتے لوگ

بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖٓ اِلَّا بِمَا شَآءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ

کچہہ اوسکے علم سے مگر جسقدر وہی چاہا گہیر لیا ہے کرسی یعنی بادشاہی اوسکے نے آسمانون

وَالْاَرْضَ وَلَا يَـُٔوْدُهٗ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ○

اور زمین کو اور نہین تہکاتی اوسکو نگہبانی اونکی اور وہ ہے بلند مرتبہ بڑا

تمام شد دیگر این است کہ از ثواب او زمین و آسمان پر شوند سُبْحَانَ اللّٰهِ

پاک ہے اللہ شریک وغیرہ سے

سی و سہ بار اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ سی و سہ بار اَللّٰهُ اَكْبَرُ وسی و چہار بار بعد

سب تعریف اللہ کو ہے اللہ سب سے بڑا ہے

ہر نماز فریضہ و ہم وقت خواب شب بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَا

شروع کرتا ہون مین اللہ کے نام کے ساتھہ ایسا ہے وہ

يَضُرُّ مَعَ اسْمِهٖ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَآءِ

کہ نہین نقصان پہونچا سکتے اوسکے نام کے ساتھہ کوئی چیز بیچ زمین کے ہو یا بیچ آسمانون کے

ف
از روایت عثمان رض
جو کوئی اسکو تین
بار بعد نماز مغرب
وفجر کے پڑہیگا اوسکو
کوئی چیز اوس دن
نقصان نہ پہونچا سکیگی ۱۲

وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۝ ۳ سہ بار بعد نماز مغرب و فجر کہ در ہمہ

اور وہ سننے والا دعا کا اور جاننے والا ہر ایک کا۔

شب و از صبح تا شام از ہمہ آفات محفوظ ماند و نیز بخواند بعد نماز صبح و مغرب سہ بار

اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِيْعِ الْعَلِيْمِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ۝

پناہ مانگتا ہون ساتھ برکت نام اللہ کے کہ سننے والا جاننے والا ہے   برائی شیطان مردود سے

و یک بار هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عٰلِمُ الْغَيْبِ

وہی ہے اللہ وہ اللہ کہ نہین کوئی معبود مگر وہ جاننے والا پوشیدہ کا

وَالشَّهَادَةِ تا ختم سورہ حشر کہ ثوابش در حدیث شریف بسیار آمدہ

اور ظاہر کا

و نیز در حدیث شریف صبح و شام خواندن اَعُوْذُ بِكَلِمَاتِ

پناہ مانگتا ہون مین ساتھ کلمون

اللّٰهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وارد شدہ و بخواندن صبح و شام

اللہ کے کہ پورے ہین برائی ہر چیز پیدا کی ہوئی سے

یک یک بار سورہ کافرون قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ لَآ اَعْبُدُ

کہہ ای محمد صلعم   ای کافرو   مین نہین پوجتا اوسکو

۱ع از روایت معقل بن یسار ... [illegible]

۲ع از روایت ابو ہریرہ ... جو کوئی اسکو کہیگا شام کو تین بار اوسکو ڈنک نہ لگیگا ... (۱۲)

مَا تَعْبُدُوْنَ ۝ وَلَآ اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ ۝

کہ جسکو تم پوجتے ہو اور نہ تم پوجنے والے ہو جسکو مین عبادت کرتا ہون

وَلَآ اَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ ۝ وَلَآ اَنْتُمْ عَابِدُوْنَ

اور نہ مین عبادت کرنیوالا ہون اوسکو جسکو تم پوجتے ہو اور نہ تم عبادت کرنیوالے ہو

مَآ اَعْبُدُ ۝ لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ ۝

جسکی مین عبادت کرتا ہون تمہارے لیے دین تمہارا ہے اور میرے واسطے دین میرا ہے

اگر این سورہ چہار بار خواند ثواب سالم یک قرآن یا بد و بخواند بعد مغرب

و فجر سورہ اخلاص ۳ ۳ بار کہ ثواب یک قرآن شریف است یعنی قل ہو اللہ احد

تا آخر بخواند معوذتین ۳ ۳ بار یعنی سورہ فلق و سورہ الناس

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝ وَمِنْ شَرِّ

کہدے اے محمد صلعم پناہ پکڑتا ہون ساتھہ پیدا کرنیوالے صبح کے اوس چیز سے جسکو اوسنے پیدا کی اور برائی اندھیرا ڈالنے والے

غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ ۝ وَمِنْ شَرِّ النَّفّٰثٰتِ فِي الْعُقَدِ ۝

رات سے جسوقت ڈہانکے اور برائی پہونکنی والیون سے بیچ گرہون کے

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ ہ قُلْ اَعُوْذُ

اور برائی حسد کرنیوالے سے جسوقت کہ حسد کرے کہہ ای محمد صلعم پناہ مانگتا ہون مین

بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ

ساتھہ پالنیوالے لوگون کے بادشاہ لوگونکے معبود لوگون کے

شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ہ الَّذِيْ يُوَسْوِسُ

برائی وسوسہ ڈالنے والے پیچھے ہٹ جانیوالے کے سے وہ جو وسوسہ ڈالتا ہے

فِيْ صُدُوْرِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ہ

بیچ سینون لوگونکے جنون مین سے یا آدمیون مین سے

از آیۃ تا اینجا ہشت عدد وظیفہ ہست بعد نماز مغرب و صبح بمقدار مذکور ہر روز بلا ناغہ بخواند تا از ہمہ بلیات و آفات دنیوی و اخروی او تعالے مامون دارد انشاء اللہ تعالے

نصائح حمیدہ و اخلاق پسندیدہ ملے فرزند

اسعدک اللہ تعالی فی الدارین سترک بخدای یگانہ سپا

و مادر را رحمتی بزرگ از منعم حقیقی شمار که او را باعث حیات تو گردانید

و در نکوئی بمادر ترا ثواب حج و عمره و جهاد بخشیده ٥ جنت که رضائی

مادران است ※ در زیر قدوم مادران است - حکم پدر بجا آرد و میدان

باش که گاهی جور بلفظ اُف هم بایشان از تو نرسد - و بدان که رضائی

مالک حقیقی به رضای ایشان ست - نماز پنجگانه را بپا دار و به هیچ حالت

مگذار ٥ روز محشر که جانگداز بود ※ اولین پرسش نماز بود + روزه های

رمضان ادا کن و زکاۃ مال بده و ازینجا خوب گفته شعر زکوٰۃ مال ادا کن که

فضله رز را ※ چو باغبان ببرد بیشتر دهد انگور + و حج را بوجود شرط

از دست مده و هر حکم او تعالی شانه را در دل خود بنه - و قتیکه توانی بوالدین

خود احسان کن - و قتیکه او شان ناتوان شوند بازوئی شفقت زیر پای ایشان

بگستر و اقارب خود را یگانه بدار چون عقارب مشمار - حق همسایه و مسکین و مسافر

و ما تحت خود به نکوئی بده - و مال خود را به بیهودگی از دست مده که این اسراف

است و تبذیر - و مبذرین برادران شیطان حقیر هر که این خصلت بدرا

کند انجامش به ندامت کشد و قدر و منزلت او از دست رود اما اگر بنام
خدای تعالی همه خانه و اثاث البیت بدهی رواست اگر وثوق داری که هرچه بدهی
بگذرد بران صابر باشی و حاجت خود را نزد کسی نبری و کسی را بر حاجت خود مطلع نگردانی
والا توسط اولی است ای فرزند هوش دار که شیطان دشمن پایدار است هرچه
که اراده بد در دل خود یابی از وی بپرهیز که آن از شیطان است تا توانی بگریز
بخل در انفاق خود مکن که این برادر اسراف است و بدترین صفات اشراف
در هر کار میانه رو باش تا که در دارین خوش باشی و بشاش - ای فرزند بکشتن جان خود را
اراده مکن که این کار بسیار زبون و سخت است و از هر بدکاری و زنا مرو که بیحیائی و شرمساری است
و اراده مال کسی ناحق گرفتن هم میار چه این فعلیست که حق تعالی از وی بیزار است
و طمع بیکار ع طمع را سه حرف است هر سه تهی :: آنچه که بگوئی بجا آر
ورنه عهدشکنی است و این هم جا بی اعتبار - از غیبت و تمامی اجتناب گیر
و از کسی گوش مدار و بدروغ و تهمت مشمار - بدی کسی بینی تو آن را راست مشمار
تا وقتیکه بپای ثبوت نه آید و هر که دیگران را بد گوید او را بر آن ٥ بدکه

عیب دگران پیش تو آورد و شمرد ٭ بیگمان عیب تو پیش دگران خواهد برد

زینهار تکبر میار یعنے خود را نیکو و کلان و بزرگ مشمار و دیگران را از خود ذلیل و خوار که معلم الملکوت ازین راه از بالا افتاده و کلاه عزت بهوائی مذلت در داده - هر که پیوند کبر و ریا ببرید در عالم کبریا نپرید ٭ تکبر مکن زینهار ای پسر ٭ که روزی ز دستش در آئی بسر - ای فرزند خودبینی و خودنمائی مکن که این خلاف واقع مثل شان احولیست و هر که ازین دور است از خوبی دولت معمور است بتبختر مخرام که این چرا است اگر تکبر و تبختر میکنی نه توانی که زمین را از پا بکنی و سر از آسمان ببری - ای فرزند شکر حق تعالی ادا کن که ترا نعمت فزاید و بے آن کار بر نیاید گو این کاریست دشوار که حق حق تعالی بیشمار است کے توانی که از ذمه اش بر آئی ٭ از دست و زبانی که بر آید ٭ کز عهده شکرش بدر آید ٭ شکر این است که بر هر نعمت از زبان اقرارش نمائی و دل را از آن بشاشش داری و اعضا را هر وقت کارش باز نداری و دست و پای بکارش فرسائی هر چه که از و رسد بآن خوش باشی اگر ناگوار داری و از و راضی نشوی ضرور است که از ملک او تعالی

بیرون روی از زمینش بدر نشو و از سایهٔ آسمان بیرون رو که کفران نعمت
هیچ هشیار این نکند و ازو پرهیز گر دولت گزران انعامات الهی در آید
نور ایمان و نعمت خداوند سبحان فزاید ای فرزند تا توانی بزرگان را ادب پیش آر
و خوردان را به شفقت خوش دار شعر ادب تاجیست از لطف الهی * بنه بر سر
برو هر جا که خواهی - این را به نفس خود خیال که آنچه بر خود نه پسندی بر دیگران
پسند نشنو بهمه خلق خوش خلق و خنده رو باش تلخی و ترش روئی بگذار چون بر تو
پاشیده اند تو بر خلق پاش شیوه مردمی و مروت را شعار خود ساز به هیچ نکوئی خود منا
دوست و دشمن را به نیک روش خود شاد کن و خندان و دوستان و دشمنان را
از کار خود مرنجان تا اوشان دوستی افزایند و ایشان از دشمنی باز آیند
شعر آسائش دو گیتی تفسیر این دو حرفست * با دوستان تلطف با دشمنان مدارا
ای فرزند در همه حال قایم مزاج باشی تلون از خود رها سازی هر قدر سختی که پیش
شود بیدل مشو بسهولت و دانائی گوارا کرده بدفع آن بکوش تا وقتی آید که
از سر تو برود شکایت ناگواری پیش کس مساز که هم کفران نعمت و هم

سبب غضب الهی و باعث خوشنودی دشمنان - جائیکه پند بشنوی یا به
بینی آنرا بپسند - آنچه امر حق خوانده و یا بخوانی خود را بعملش ببند مثل آن
حمار نباشی که انبار حکمت بردارد اما هیچ نفعی ازو حاصل نسازد - دروغگو
و خوگر قسم مباش که بے اعتبار خواهی شد و مردی که بے اعتبار است در چشم
مردمان خوار است قناعت پیشه کن که بهترین صفت مردمی است و موجب
راحت دنیا و باعث مسرت در عقبی - جای خود نگهدار و جاهی را از دست
مگذار - از عجز و انکسار خود را بر زمین تواضع و فروتنی بنه و نخوت را
بخود راه مده و در همه جا خود را کمترین خلایق شمر - اما با متکبران
عجز و فروتنی میار و در چشم ایشان خود را حقیر مدار - از حسد چون
درنده بگریز که آتش سست جان سوز - این کیمیاست دوستان را
بیاموز - آنچه که گوئی بتامل گوئی که اگر خوب است اختیار داری و اگر نیک
نباشد چون تیر از دست رفته باز نیاید و حسرت بدست آید - از صحبت
بد بگریز چون گوسفندان از گرگ تیز دندان که دین و ایمان را

بے نور سازد وفہم وفراست از تو برباید ۵ صحبت صالح ترا
صالح کند + صحبت طالح ترا طالح کند - راز خود را جز دوست
خالص گفتن خود را در ورطۂ ندامت انداختن است اگر گوئی حسرت
بری و باز ائی ثمر ندامت بری دوست را از دشمنان برآوردن
کار دشوار ست کہ دوست کمیاب است و دشمن دوست نما
بسیار - کار شایستہ بے مشورۂ دوست مکن ۵ در چنین
کار مشورت باید + کار بے مشورت نکو ناید - ای فرزند از انچہ
کہ داری تا توانی حاجت خلق برآر تا ضرورتہای تو برآید
خدا برتو باشد تو بر خلق باش چشم از عیب پوشیدن
و سیرت عفو گرفتن فرزانگی ست و در حالت غضب
غیظ را فرو خوردن مردانگی ست - صلی اللہ تعالی علی خیر خلقہ
محمد و الہ و اصحابہ اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین م م م م

تمت

اسمِ خاتمۃ الطبع

۱۲۹۹

ہزاران ہزار شکر ایزد رحمن و نعت بحد و بیشمار نبی نیکو نہاد - و منقبت آل اطہار
و مصاحب اصحاب کبار - کے بعد محمد حسین منصرم چھاپہ سکندری - بہ پسند طبع ریاست رامپور
خدمت پاک دیدۂ افہام مین - گزارش پرداز انشراح ہے - کہ ان دنون کتاب دار العبادت
مسمی بہ تعلیم صبیان نام پیکر اقبال - واسطے فائدہ عام انوار عواطف ہونہار
اطفال اسلام بھوپال کے - کہ اسکو پڑھکر مسائل دین سے جو رکن اول جلوہ گاہ ایمان ہے
آگاہ حقایق ہو کر علم معاش کیطرف - متوجہ ہون بنا بر انطباع کامل کے اس مطبع مین آئی
اور بتوجہ حکم کشاف حقایق - قدردان جہان یکتائی بےہمتا - فیض رسان اہل عطا -
جبل افتخار - گل گلستان خاندان - نہال عز و فا نواب یسین محمد خان بہادر
رئیس معتبر کہ دار الاقبال - نیر اعظم بھوپال - دام اقبالہ و شوکتہ الی یوم داور و لوائہ
مطبع منور بہ سکندری رام پور مین - ماہ فیروز مند ربیع الثانی - زیور اصنام انطباع سے پیراستہ ہوئی
رازدان الہا مولف نامدار کی سعی کامیاب فرما - اور کتاب مقبول طبائع اطہر کر -
بحرمت النبی و آلہ الامجاد و اصحاب مناہج مراد - تمام شد التماس